



## کارگران سراسر جهان برای سرنگونی نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم متحد شوید!

### بمناسبت صدمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر

یکصد سال پیش انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر به رهبری حزب بلشویک و در راس آن ولادمیر ایلیچ لنین در سرزمینهای امپراطوری بزرگ روسیه تزاری به پیروزی رسید. پیامد های درخشان انقلاب اکتبر و تاثیر آن در بیداری طبقه کارگر و زحمتکشان سراسر جهان در مبارزه علیه نظامات سرمایه داری و استثمار و استعمار از فرازهای تاریخ بشری و چراغ راهنمای طبقه کارگر و زحمتکشان در غلبه بر نظام منحن سرمایه داری و رسیدن به جامعه ای عاری از ستم و استثمار زور و سرکوب و جنگ و ویرانگری در سراسر جهان است.

در تاریخ جهان هیچ رویدادی را نمیتوان یافت که باندازه انقلاب اکتبر در سرنوشت بشر تاثیر گذاشته باشد. اکتبر تنها سر آغاز رهائی کارگران و زحمتکشان و آغاز زندگی نوین در روسیه نبود، بلکه انقلاب اکتبر با تحولی که در زندگی طبقه کارگر و توده های زحمتکش بوجود آورد، فصل نوینی را در تاریخ بشر گشود. انقلاب اکتبر ثابت کرد که جامعه را میتوان بر اصولی نوین و متضاد با جامعه سرمایه داری و بسود توده های کار و زحمت سامان داد. میتوان بر اکتاپوس سرمایه پیروز شد.

### نقش انقلاب اکتبر در تحول آموزش و فرهنگ خلقهای اتحاد جماهیر شوروی

زمانیکه انقلاب اکتبر به پیروزی رسید خلقهای سراسر روسیه، بویژه ملل آسیای میانه از بیسوادی، عقب ماندگی، اقتصادی و فرهنگی رنج میبردند. مذهب، خرافات، زن ستیزی، علم ستیزی، تبعیضات مختلف جنسی ملی و مذهبی، بیداد میکرد. خانواده ها از فرستادن فرزندان شان به مدارس جلوگیری میکردند، زنان و دختران بدون اجازه مردان خانه حق بیرون رفتن از خانه را نداشتند. زنانیکه از دستورات روحانیون و مردان خانه سرپیچی میکردند، به طرز فجیعی شکنجه و به قتل میرسیدند.

ادامه در صفحه ۳

### درباره دوران ...

پرداختن به مسئله دوران تاریخی و محتوای اصلی و جهت تکاملی آن، در تدوین تئوری انقلاب کارگری و تعیین استراتژی انقلابی طبقه کارگر و مشخص نمودن دوستان و دشمنان آن، نقش تعیین کننده ای داشته و دارد. رساله حاضر در تاریخ 1362 و در رابطه با مسائل مورد مناقشه آن دوران به رشته تحریر درآمده است و از کتابی تحت عنوان «انقلاب ایران و وظایف پرلتاریا»، انتخاب شده است.

ادامه در صفحه ۴

### سرگذشت لنین بعد از مرگ

### طنز بمناسبت یکصدمین سالگرد انقلاب اکتبر

آورده اند روزی که لنین میمیرد بلافاصله در دستگاه خداوند عالم غوغائی برپا میشود، همه از کوچک و بزرگ، از عزرائیل تا جبرئیل به رقص و پایکوبی میپردازند. فرستادگان خدا از آنجائیکه لنین را میشناختند و از پیش دشمنی دیرینه خدا و درباریان را با لنین میدانستند، سریع خودشان را میروسانند به خانه لنین و دیگر سؤال و جواب هم لازم نبود زود نکیر و منکر را مرخص میکنند و از شانه های لنین میگیرند و یگراست میبرند پیش خدا. خداهم که بیشتر از همه با لنین آشنائی قبلی داشت فوراً دستور میدهد به عزرائیل که اینو ببیند از دید وسط جهنم.

ادامه در صفحه ۹

### نوشته ای از لنین بمناسبت چهارمین سالگرد انقلاب اکتبر

در صفحه ۵

ادامه در صفحه ۲



## نقش انقلاب اکتبر در تحول آموزش و فرهنگ خلقهای اتحاد جماهیر شوروی

می‌شدند. با وجود همه مشکلات و موانع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ساختارهای بسیار کهن به ارث رسیده از دوران تزاری، دولت شوروی نه فقط برابری و حق آموزش رایگان و همگانی را در سراسر اتحاد شوروی اعلام کرد، بلکه شرایط عملی تحقق آنرا نیز در درود افتاده ترین نقاط کشور فراهم نمود. بعد از پانزده سال، یعنی در سال 1932 اتحاد شوروی اولین کشوری در جهان بود که به بیسوادی در سراسر کشور بزرگ شوراهای پایان داد.

انقلاب اکتبر و استقرار سوسیالیسم شرایطی را بوجود آورد که بنا به اعلام یونسکو در دهه 70 «مردم شوروی نه تنها بیشتر از مردم جهان کتاب میخوانند بلکه پرتیراژترین روزنامه های جهان نیز در این کشور منتشر میشوند.» انتشار بیش از ده هزار روزنامه با تیراژ 154 میلیون نه فقط به زبان روسی بکه به 57 زبان خلقهای ساکن این کشور، از جمله دست آوردهای انقلاب اکتبر بود. در شوروی در سال بیش از 5 هزار عنوان کتاب منتشر میشد و تیراژ آن در سال 79 اندکی قبل از سقوط این کشور به یک میلیارد و هفتصد میلیون میرسید. یعنی 14 برابر ایالات متحده آمریکا کتاب منتشر میشد.

در این کشور بیش از 360 هزار کتابخانه عمومی وجود داشت که هر سال نزدیک به یک میلیارد کتاب بین اهالی توزیع میکرد. در عین حال همه کارخانه ها مراکز عمومی، محل کار، تشکلهای توده ای، مدارس و آموزشگاه ها نیز دارای کتابخانه بودند.

بر اساس آمار یونسکو اتحاد شوروی در ترجمه و تالیف و توزیع کتاب در جهان

### «سوسیالیسم تنها نظام

### اجتماعی است که میتواند

### آموزش و فرهنگ را بطور کامل

### دراختیار توده مردم

### قرار دهد «لنین

شوروی را از نخستین اهداف خود برمی شمرد. مبارزه با بیسوادی و عقب ماندگیهای فرهنگی بمنظور برانداختن نابرابری های عمیقی بود که از گذشته به ارث رسیده بود.

سیستم شوراهای و حزب بلشویک، در شرایطی برنامه ارتقاء سطح سواد و فرهنگ توده های مردم را در دستور روز قرار داده بودند که هنوز ضدانقلاب در تمام کشور با پشتیبانی کشورهای سرمایه داری مشغول سازماندهی و مقابله با انقلاب کارگری و بشکست کشاندن آن بود. مدرسه های تازه تاسیس آتش زده میشدند آموزگاران به قتل میرسیدند و دستجات ارتجاعی قومی و مذهبی به جان فعالین حزب و توده های مردمی که از انقلاب و اقدامات سوسیالیستی دفاع میکردند، میافتادند.

مبارزه با بیسوادی همراه با مبارزه برای تامین نان، کار، مسکن برای همه مردم، ایجاد مدرسه و آموزشگاه برای همه کودکان، کمک به خلقهای مختلف ساکن شوروی برای آموزش زبان مادری که قبلا از آن محروم بودند، اهداف بزرگی بودند که میبایست توسط قدرت شوراهای درکشور پهناور و عقب مانده روسیه آن زمان متحقق

تاقبل از انقلاب اکتبر 80 درصد مردم روسیه بیسواد بودند، از هر پنج کودک چهار نفر آنها اصلا امکان مدرسه رفتن نداشتند. و خلقهای مناطق آسیائی وضعیت بمراتب بدتر بود و در عقب ماندگی فرهنگی و هشتناکی به سر میبردند. در تاجیکستان 8/99 درصد، در قیرقیزستان 7/99 درصد، در گرجستان 7/99 درصد و در آذربایجان و ترکمنستان نیز 99 درصد زنان و مردان بی سواد بودند.

بعد از انقلاب اکتبر بوسیله قدرت دولت شوراهای علاوه بر اعلام برابری حقوق خلقهای ساکن سرزمین روسیه، کوشش های عظیم و طاقت فرسائی انجام گرفت تا برابری و تساوی ملل در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز تامین گردد. عقب ماندگی ها و اختلافات عمیق اقتصادی و فرهنگی که طی قرون متمادی بوجود آمده بودند و مقاومت هائیکه در برابر تحولات نوین از طرف ضد انقلاب و با تیکه بر مذهب، قومیت و عقب ماندگی فرهنگی سازماندهی میشد، موانع متعددی را در برابر تلاش برای سازماندهی زندگی نوین بوجود آورده بود. دولت شوراهای میباید آنچنان عمل میکرد که بتواند عقب ماندگی ها را نه در طول قرنها، بلکه در مدت چند دهه از میان بردارد. لنین با عطف توجه به همین وضعیت بود که میگفت «ما صبر نمیکنیم، حزب ما قدرت پیکار با همه عقب ماندگیها را در خود دارد.»

تامین کار، نان، مسکن، آزادی بدون ارتقاء سطح فرهنگ و عقب ماندگی عمومی امر ناممکنی مینمود و دولت جوان شوراهای از بین بردن بیسوادی در سراسر جمهوریهای

## درباره دوران ...

با توجه به اشفتگیهای موجود در جنبش کمونیستی و کارگری، نشریه کارانتشار مجدد سلسله مقالات تئوریک از این دست را برای مطالعه فعالین جنبش کارگری و کمونیستها مفید تشخیص میدهد و در آینده نیز به انتشار اینگونه مقالات اقدام خواهد کرد.

توجه! مباحث مربوط به مسائل جنبش جهانی کمونیستی و انحرافات شوروی در این مقالات، مربوط به مقطع تاریخی میشود که این مباحث در آن زمان جزء مسائل مبرم تئوریک محسوب میشدند.

سایت فدائی

مقدمه

به نظر من قبل از تجزیه و تحلیل شرایط اقتصادی، اجتماعی و ویژه گیهای مشخص یک جامعه و به تبع آن قبل از پرداختن به امر برنامه و استراتژی پرلتاریا در انقلاب آتی ایران و... روشن کردن پاره ای از مسائل عمومی و جهانی، از جمله مسئله دوران، خصوصیات، مضمون، محتوای اصلی و جهت تکاملی اصلی آن و نیز برخورد به پاره ای از انحرافات جنبش جهانی کمونیستی، لازم و ضروریست.

چراکه در شرایط کنونی بدون پاسخگوئی و روشن کردن موضع در برابر مسائل فوق، نمیتوان بطور اساسی از طرح برنامه پرلتاری و استراتژی و تاکتیکهای رسیدن به آن صحبت کرد.

برای درک ویژه گیهای خاص کشورمان، ضروری است تا از ویژه گیهای اساسی دوران حاضر شناخت درستی داشته باشیم « تنها شناخت ویژه گیهای اساسی یک دوران معین میتواند پایه ای برای درک ویژه گیهای خاص این کشور و یا آن کشور باشد » (و.ا.لنین

لذا ابتدا باید به این سؤال پاسخ دهیم که ما در چه دورانی زندگی میکنیم؟ تا بتوانیم وقایع تاریخی را که در مقابل ما ظاهر میشوند، درک کنیم.

در دورانهای مختلف تاریخی همیشه جنبشهای جزئی وجود داشته و خواهد داشت، همانطور که تاریخ جنبش دموکراتیک و کارگری کشور ما شاهد آن بوده است. این جنبش هازمانی در اوج وزمانی فروکش کرده اند و بموازات آن دارای خصوصیات ویژه و انحرافات خاص خویش بوده اند. «همیشه انحرافات مختلف از نوع متوسط و سرعت متوسط جنبش وجود داشته و خواهد داشت، ما نمیتوانیم بدانیم که به چه سرعت و با چه موفقیتی جنبشهای مختلف و مهم تاریخی در یک دوران مشخص توسعه پیدا میکنند ولی ما میتوانیم بفهمیم و بدانیم که کدام طبقه در اس یک دوران و یا دوران دیگری قرار گرفته و محتوای اصلی آن را تعیین کرده و جهت اصلی تکامل آن و خصوصیات اصلی شرایط تاریخی در آن دوران و غیره را تعیین میکند» (و.ا.لنین بهزیر پرچی دروغین

بدون درک از دورانی که در آن زندگی و مبارزه میکنیم و بدون بکارگیری ماتریالیسم تاریخی قادر نخواهیم بود با تحلیل درست و علمی شرایط مشخص اهداف استراتژیک و تاکتیکهای صحیحی اتخاذ کنیم.

برای روشن شدن موضوع به ذکر چند مثال بسنده میکنم. مثلا در دورانهای مختلف تاریخی که در همین نوشته به آنها خواهیم پرداخت، همواره یک طبقه در اس این و یا آن دوران قرار گرفته و خصوصیات اصلی شرایط تاریخی و جهت تکامل آنرا مشخص کرده است. انقلاب 1789 فرانسه را در نظر بگیریم، میبینیم که انقلاب کبیر فرانسه به تبعیت از نیازهای پیشرفته تولیدکالائی

(توسعه بازار، دسترسی به منابع، از بین بردن موانع و محدودیت های ناشی از مناسبات فئودالی) و تحت تاثیر تضادهای رشدیابنده نیروهای مولده بامناسبات تولیدی حاکم بوقوع پیوست. و محتوای عینی چنین روند تاریخی و حل این تضاد درگرو دگرگونی در مناسبات موجود به نفع استقرار مناسبات تولید سرمایه داری بود، تا نیروهای مولده بتوانند بدون هیچ مانعی رشد و گسترش یابند. بنابراین رسالت بورژوازی در دگرگونی مناسبات فرتوت فئودالی درست از همین نیاز ناشی میشود. و محتوای عینی این روند تاریخی در جنبش بورژوازی علیه فئودالیسم نهفته بود و این امر بورژوازی را در اس دورانی که از 1789 (مقطع انقلاب کبیر فرانسه) آغاز و تا 1871 ادامه مییابد، قرار میدهد.

عصر تعالی، رشد و پیروزی بورژوازی، دورانی است که بورژوازی در مرکز آن قرار دارد و جنبه های مشخص و اساسی آن و محتوای عینی آن عبارت است از رشد و شکوفائی و فراز جنبشهای بورژوا دموکراتیک بطور اعم و جنبشهای رهائی بخش ملی بورژوازی بطور اخص و شکست نهادهای استبدادی فئودالی. درست بر اساس چنین محتوای عینی دوران بود که در آن زمان پیشروان دموکراسی پرلتاری برنامه و تاکتیکهای خود را معین میکردند.

تا وقتیکه عصر مزبور رسالت دگرگونیهای تاریخی مناسبات موجود را بر عهده بورژوازی قرار میداد، پیشروان طبقه کارگر از مبارزه آن بر علیه نظامات کهنه حمایت میکردند و این حمایت را به نفع پرلتاریا میدانستند. و کمک میکردند تا این دگرگونی هرچه عمیقتر گردد.

## نوشته ای از نین بمناسبت چهارمین سالگرد انقلاب اکتبر

چهارمین سالگشت ۲۵ اکتبر (۷ نوامبر) فرا می‌رسد.

هر قدر این روز بزرگ از ما دورتر میشود، اهمیت انقلاب پرولتری روسیه روشنتر میگردد و ما درباره تجربه عملی مجموع کار خود عمیقتر میاندیشیم.

این اهمیت و این تجربه را میتوان با اختصار زیاد و البته بسی غیر کامل و غیر دقیق، به نحو زیر بیان داشت:

وظیفه مستقیم و نزدیک انقلاب روسیه وظیفه بورژوا-دمکراتیک بود، یعنی برانداختن بقایای نظامات قرون وسطایی و زدودن این بقایا تا آخر و تصفیه روسیه از وجود این بربریت، از این ننگ و از این بزرگترین ترمز هرگونه فرهنگ و هرگونه پیشرفتی در کشور ما.

و ما بحق میبایم که این تصفیه را بسی با عزم‌تر و سریع‌تر و جسورانه‌تر و کامیابانه‌تر و پردامنه‌تر و از نقطه نظر نفوذ در توده‌های خلق در قشرهای ضخیم آن عمیق‌تر از انقلاب کبیر فرانسه، که متجاوز از ۱۲۵ سال پیش واقع شد، انجام داده‌ایم.

هم آنارشیستها و هم دمکراتهای خرده بورژوا (یعنی منشیویکها و اس‌آرها، که نمایندگان روسی این تیپ اجتماعی بین‌المللی هستند) بمیزان فوق‌العاده زیادی مطالب در هم بر هم درباره رابطه بین انقلاب بورژوا-دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی (یعنی پرولتری) میگفتند و میگویند. طی این چهار سال صحت استنباط ما از مارکسیسم در این باره و صحت حساب ما در مورد تجربه انقلابهای گذشته کاملاً تأیید گردید. ما انقلاب بورژوا-دمکراتیک را بهتر از هر کس دیگر بفرجام خود رساندیم. ما با آگاهی کامل، استوار و

بلانحراف بسوی انقلاب سوسیالیستی پیش میرویم و میدانیم که این انقلاب را دیوار چین از انقلاب بورژوا-دمکراتیک جدا نمیکند، میدانیم فقط مبارزه معین خواهد کرد که تا چه حد موفق خواهیم شد (آخراً امر) به پیش برویم و کدام بخش این وظیفه فوق‌العاده عالی را اجرا خواهیم کرد و کدام بخش از پیروزی‌هایمان را برای خود تحکیم خواهیم نمود. آینده این موضوع را نشان خواهد داد. ولی همین حالا میبینیم که در امر اصلاحات سوسیالیستی جامعه - برای کشوری ویران، رنج دیده و عقب مانده - بمیزان عظیمی کار انجام گرفته است.

ولی اول موضوع مضمون بورژوا-دمکراتیک انقلاب خودمان را بپایان رسانیم. معنای این کلام باید برای مارکسیستها روشن باشد. جهت توضیح مطلب، مثالهای روشنی بیاوریم.

مضمون بورژوا-دمکراتیک انقلاب، یعنی تصفیه مناسبات اجتماعی (نظامات و مؤسسات) کشور از آثار قرون وسطایی، از سرواژ و فئودالیسم.

آیا مقارن سال ۱۹۱۷ عمده‌ترین مظاهر و بقایا و بازمانده‌های سرواژ در روسیه چه بود؟ سلطنت، نظام زمره‌ای، ملکداری و شیوه استفاده از زمین. وضع زنان، مذهب و ستمگری نسبت به ملیتها. هر یک از این "اصطبلهای اوژیانس" را که بگیریید میبینید که ما کاملاً آنرا نظیف کرده‌ایم. در صورتی که بجاست گفته شود که همه کشورهای راقیه هنگامی که خودشان انقلاب بورژوا-دمکراتیک را در ۱۲۵ و ۲۵۰ سال پیش و از آن هم جلوتر (انگستان در ۱۶۴۹) انجام میدادند تنظیف این اصطبلها را ناتمام باقی

گذارند. کاری که ما طی تقریباً ده هفته بین ۲۵ اکتبر (۷ نوامبر) ۱۹۱۷ و انحلال مجلس مؤسسان (۵ ژانویه ۱۹۱۸) در این رشته انجام دادیم هزار بار بیشتر از آنچه بود که دمکراتها و لیبرالهای بورژوا (کادتها) و دمکراتهای خرده بورژوا (منشیویکها و اس‌آرها) در عرض هشت ماه حکومت خود انجام دادند.

این ترسوها، پرگوها، خودپسندان و هاملتها، شمشیر چوبی خود را حرکت میدادند و حال آنکه حتی سلطنت را هم نابود نساختند! ما زباله سلطنت را چنان بدور ریختیم که کسی هرگز چنان نکرد. ما سنگی بر سنگ و خشتی بر خشت کاخ دیرین سال نظام زمره‌ای باقی نگذاشتیم (راقی‌ترین کشورها از قبیل انگستان و فرانسه و آلمان هنوز از بقایای نظام زمره‌ای خلاص نشده‌اند!). ما عمیقترین ریشه‌های نظام زمره‌ای یعنی بقایای فئودالیسم و سرواژ را در زراعت بکلی برانداختیم. "میتوان مباحثه کرد" (در خارجه عده‌ای کافی از ادبا و کادتها و منشیویکها و اس‌آرها هستند که به این مباحثات مشغول باشند) که "سرانجام" از اصلاحات ارضی انقلاب کبیر اکتبر چه چیزی حاصل میشود. ما طالب آن نیستیم که اکنون وقت را بر سر این مباحثات تلف کنیم زیرا ما این مباحثه و تمامی مباحثات مربوط به آن را بوسیله مبارزه حل میکنیم. ولی نمیتوان منکر این واقعیت شد که دمکراتهای خرده بورژوا هشت ماه با ملاکین، که سنن سرواژ را حفظ مینمودند، "سازش کردند" ولی ما در عرض چند هفته، هم این ملاکین و هم تمام سنن آنها را از روی سرزمین روس بکلی برانداختیم.

مذهب یا بی‌حقوقی زنان یا ستمگری نسبت به ملیتهای غیر روس و نابرابری حقوقی آنها را

**نوشته ای از نین بمناسبت چهارمین سالگرد انقلاب اکتبر...**

بگیرید. همه اینها مسائل مربوط به انقلاب بورژوا-دمکراتیک است. فرومایگان دمکراسی خرده بورژوا هشت ماه درباره این مطالب پرگویی میکردند؛ حتی یک کشور راقی جهان نیست که این مسائل در آن در جهت بورژوا-دمکراتیک تا آخر حل شده باشد. در کشور ما این مسائل بوسیله قانونگذاری انقلاب اکتبر تا آخر حل شده است. ما با مذهب چنانکه باید شاید مبارزه کرده‌ایم و میکنیم. ما به همه ملیتهای غیر روس جمهوری خاص خودشان با مناطق خودمختار خاص خودشان را داده‌ایم. در کشور ما یک چنین دنات و پلیدی و رذالتی نظیر بیحقوقی و یا ناقص‌الحقوقی زنان، این بازمانده نفرت انگیز سرواژ و قرون وسطی، که بورژوازی مغرض و خرده بورژوازی کُند ذهن و مرعوب در همه کشورهای جهان بدون کوچکترین استثناء بدان رنگ نو میزند، وجود ندارد.

همه اینها - مضمون انقلاب بورژوا-دمکراتیک است. صد و پنجاه تا دویست و پنجاه سال پیش از این پیشوایان پیشگام این انقلاب (اگر بخواهیم از یک یک صور ملی این طراز کلی سخن گوئیم باید بگوئیم این انقلابها) به مردم وعده دادند بشریت را از قید امتیازات قرون وسطائی، نابرابری زنان، امتیازات دولتی فلان یا بهمان دین (یا "اندیشه دینی" و "دینداری" بطور اعم) و از قید نابرابری ملیتها برهانند. وعده دادند و اجرا نکردند. نمیتوانستند اجرا کنند زیرا "احترام به مالکیت خصوصی مقدس" مانع بود. در انقلاب پرولتری ما این "احترام" ملعون به این آثار سه بار ملعون قرون وسطائی و به این "مالکیت خصوصی مقدس" وجود نداشت.

ولی برای آنکه فتوحات انقلاب بورژوا-دمکراتیک را برای خلقهای روسیه تحکیم کنیم، میبایست جلوتر برویم و جلوتر رفتیم. ما مسائل مربوط به انقلاب بورژوا-دمکراتیک را در اثنای راه، در جریان عمل و بمثابه "محصول فرعی" کار سوسیالیستی عمده و واقعی و انقلابی-پرولتاری خودمان حل میکردیم. ما همیشه میگفتیم رفرم، محصول فرعی مبارزه انقلابی طبقاتی است. ما میگفتیم و در عمل ثابت کردیم که اصلاحات بورژوا-دمکراتیک محصول فرعی انقلاب پرولتری یعنی سوسیالیستی است. بجاست گفته شود که همه کائوتسکی‌ها، هیلفردینگ‌ها، مارتف‌ها، چرنف‌ها، هیلکویت‌ها، لونکه‌ها، ماکدونالدها، توراتی‌ها و دیگر قهرمانان مارکسیسم "دو و نیم" نتوانستند این رابطه را درک کنند. نخستین انقلاب ضمن رشد خود به انقلاب دوم تحول مییابد. انقلاب دوم مسائل انقلاب اول را در جریان عمل حل میکند. انقلاب دوم کار انقلاب اول را تحکیم مینماید. مبارزه و تنها مبارزه است که معین میکند تا چه حدودی انقلاب اول موفق خواهد شد به انقلاب دوم تحول یابد.

نظام شوروی همانا یکی از تأییدات یا مظاهر آشکار این تحول یک انقلاب به انقلاب دیگری است. نظام شوروی حد اکثر دمکراتیسم برای کارگران و دهقانان است و در عین حال دال بر گسست با دمکراتیسم بورژوائی و پیدایش طراز نوین جهانی-تاریخی دمکراسی یعنی دمکراسی پرولتری یا دیکتاتوری پرولتاریاست.

بگذار سگان و خوکان بورژوازی محتضر و دمکراسی خرده بورژوائی که از دنبال این بورژوازی می‌رود بخاطر ناکامیها و اشتباهات مرتکبه در امر ساختمان نظام شوروی ما

بارانی از لعنت و دشنام و استهزا بر سر ما بیارند. ما دقیقه‌ای فراموش نمیکنیم که ناکامیها و اشتباهات ما واقعا زیاد بود و زیاد است. و اصولا مگر میشود در امر ایجاد طراز تا کنون نادیده سازمان دولتی، بدون ناکامی و اشتباه عمل کرد! ما پیوسته در راه اصلاح ناکامیها و اشتباهات خودمان و بهبود انطباق عملی اصول شوروی، انطباقی که بسیار و بسیار از حد کمال دور است مبارزه خواهیم کرد. ولی ما حق داریم بخود ببالیم و میبایم که سعادت شروع ساختمان دولت شوروی و بدینوسیله شروع دوران نوین در تاریخ جهان، دوران سلطه طبقه نوین، که در کلیه کشورهای سرمایه‌داری ستمکش است و همه جا بسوی زندگی نوین، بسوی پیروزی بر بورژوازی، بسوی دیکتاتوری پرولتاریا، بسوی خلاصی انسانیت از یوغ سرمایه و جنگهای امپریالیستی گام برمیدارد، نصیب ما شده است.

مسأله جنگهای امپریالیستی و آن سیاست بین‌المللی سرمایه مالی که اکنون در همه جهان استیلا دارد و ناگزیر موجد جنگهای امپریالیستی جدید و تشدید بیسابقه ستم ملی و غارت و تاراج و اختناق خلقهای ناتوان و عقب مانده و کوچک توسط مشتکی از دول "راقیه" است، - این مسأله از سال ۱۹۱۴ مسأله اساسی سیاست کلیه کشورهای کره زمین شده است. این - مسأله حیات و ممت دهها میلیون نفر است. این مسأله‌ای است در باره این که آیا در جنگ امپریالیستی بعدی، که بورژوازی در برابر انظار ما آن را تدارک میببند و در برابر انظار ما از سرمایه‌داری پدید میآید، بیست میلیون نفر هلاک شدند، آن هم باضافه جنگهای "کوچک" منضم به آن که هنوز هم خاتمه نیافته است) و آیا در این جنگ ناگزیر آینده

**نوشته ای از نین بنماست چهارمین سالگرد انقلاب اکتبر...**

ما این کار را شروع کرده‌ایم. و اما اینکه آیا چه موقع و طی چه مدتی و پرولتراها کدام ملت این امر را به سرانجام خواهند رساند مسأله اساسی نیست. مسأله اساسی این است که یخ از جا کنده شده و بحرکت درآمده است، جاده باز شده، راه نشان داده شده است.

آقایان سرمایه‌داران همه کشورها، که "میهن" ژاپنی را در برابر "میهن" آمریکایی و "میهن" آمریکایی را در برابر "میهن" ژاپنی و "میهن" فرانسوی را در برابر "میهن" انگلیسی و غیره "دفاع میکنند"، به سالوسی خود ادامه دهید! آقایان شوالیه‌های انترناسیونال دو و دو و نیم و همه خرده بورژواها و فلیسترهای پاسیفیست سراسر جهان، با نگارش "بیانیه‌های بال" جدیدی (طبق نمونه بیانیه بال مورخ سال ۱۹۱۲) به "ظرفه رفتن" از مسأله مربوط به وسائل مبارزه علیه جنگهای امپریالیستی ادامه دهید!

نخستین انقلاب بلشویکی نخستین صد میلیون مردم روی زمین را از چنگ جنگ امپریالیستی و جهان امپریالیستی بدر آورد. انقلابهای بعدی تمام بشریت را از چنگ چنین جنگ و چنین جهانی بدر خواهند کشید.

آخرین و مهمترین و دشوارترین و ناتمامترین کارهای ما ساختمان اقتصادی و پی‌ریزی اقتصادی برای بنای نوین سوسیالیستی بجای بنای منهدم فئودالی و نیمه منهدم سرمایه‌داری است. ما در این مهمترین و دشوارترین کار خود بیش از همه ناکامی و اشتباه داشته‌ایم. و اصولاً مگر میشود چنین کاری را که در مقیاس جهانی تازگی دارد بدون ناکامی و اشتباه انجام داد! ولی ما آن را آغاز کرده‌ایم و در کار اجرای آنیم. اتفاقاً همین حالا ما به کمک "سیاست اقتصادی نوین" خودمان یک سلسله اشتباهات خودمان را اصلاح میکنیم و فرامیگیریم که چگونه در کشور خرده دهقانی

غیظ و بهتان و اکاذیب این واقعیت جهانی- تاریخی را نمیتوانند مه آلود کنند که، پس از صدها و هزارها سال برای نخستین بار بردگان به جنگ بین برده‌داران با اعلام آشکار این شعار پاسخ دادند: این جنگ بین برده‌داران را که هدفش تقسیم غنائم است به جنگ بردگان همه ملل علیه برده‌داران همه ملل تبدیل کنیم.

پس از صدها و هزاران سال برای نخستین بار این شعار از یک انتظار مبهم و زبون به یک برنامه سیاسی روشن و "دقیق" به مبارزه مؤثر میلیونها ستمکش تحت رهبری پرولتاریا، به نخستین پیروزی پرولتاریا، به نخستین پیروی در امر محو جنگها، در امر اتحاد کارگران کلیه کشورها علیه اتحاد بورژوازی کشورهای مختلف، آن بورژوازی که هم صلح و هم جنگش بحساب بردگان سرمایه، بحساب مزدوران، بحساب دهقانان، بحساب زحمتکشان است، مبدل گردید.

این نخستین پیروزی هنوز پیروزی نهایی نیست و این پیروزی را انقلاب اکتبر ما با سختیها و دشواریهای نادیده و رنجهای ناشنیده و یک سلسله ناکامیها و اشتباهات عظیمی که ما مرتکب شده‌ایم، بدست آورده است و اصولاً مگر میشد که یک خلق عقب مانده بتواند بدون ناکامی و بدون اشتباه بر جنگهای امپریالیستی مقتدرترین و راقی‌ترین کشورهای کره زمین غلبه کند! ما از اقرار به اشتباهات خود پروا نداریم و هشیارانه به آنها خواهیم نگرست تا شیوه رفع این اشتباهات را بیاموزیم. ولی واقعیت بجای خود باقی است: پس از صدها و هزارها سال برای نخستین بار وعده "پاسخ دادن" به جنگ بین برده‌داران بوسیله انقلاب بردگان علیه همه و هرگونه برده‌داران تا آخر ایفا شده - و علی‌رغم همه مشکلات ایفا میگردد.

(اگر سرمایه‌داری حفظ شود) شصت میلیون نفر معلول خواهند شد (بجای سی میلیون نفری که در سالهای ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ معلول شده‌اند) یا نه. انقلاب اکتبر ما در این مسأله هم دوران تاریخی- جهانی تازه‌ای را افتتاح کرده است. خدمه بورژوازی و پامنبری خوانهای وی یعنی اس‌آرها و منشویکها و تمامی دمکراسی به اصطلاح "سوسیالیستی" خرده بورژوایی شعار "تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی" را مسخره میکردند. ولی این شعار یگانه حقیقت منحصر از کار در آمد - حقیقتی نامطلوب، خشن، بی‌پرده و بی‌امان، همه اینها درست - ولی حقیقتی در بین یک دنیا فریبهای فوق‌العاده ظریف شوینیستی و پاسیفیستی. بنیاد این فریبه فرو میپاشد. صلح برست افشاء شده است. هر روزی که میگذرد معنا و عواقب صلح و رسای را که از صلح برست هم بدتر است، با بیرحمی بیشتری افشاء مینماید. برای میلیونها و میلیونها مردمی که درباره علل جنگ دیروز و جنگ فردا که در حال تکوین است میاندیشند، این حقیقت مهیب روز بروز روشنتر و واضح‌تر و مؤکدتر میشود که: از جنگ امپریالیستی و از "میر" (мир) امپریالیستی که بناگزییر موجب پیدایش آن میشود (اگر املاء قدیم حفظ شده بود من اینجا دو کلمه [мир\*] را به هر دو معنای آن مینوشتم) یعنی از این دوزخ نمیتوان جز از راه مبارزه بلشویکی و انقلاب بلشویکی رهایی جست.

بگذار بورژوازی و پاسیفیستها، ژنرالها و خرده بورژوازی، سرمایه‌داران و فلیسترها، کلیه مسیحیان مؤمن و همه شوالیه‌های انترناسیونال دوم و دو نیم با هاری تمام به این انقلاب دشنام بدهند. آنها با هیچ سیلاب

**نوشته ای از لنین بمناسبت چهارمین سالگرد انقلاب اکتبر...**

ترتیب که آنها را ذینفع ساخته، بهم پیوند میدهد و به مرحله آتی یعنی بسوی شکل‌های مختلف اتحاد و پیوند در خود تولید سوق میدهد. هم اکنون ما به تجدید سازمان ضروری در سیاست اقتصادی خود دست زده‌ایم. ما در این زمینه موفقیت‌های چندی بدست آورده‌ایم که راست است کوچک و جزئی است ولی به هر جهت موفقیت بدون تردید است. ما اکنون در این رشته "علم" جدید کلاس تهیه را به پایان میرسانیم. اگر ما با استواری و مصراانه تعلیم بگیریم و هر گام خود را با تجربه عملی و ارسی کنیم و از تغییر و تبدیل مکرر آنچه که شروع کرده‌ایم نترسیم و اشتباهات خود را اصلاح کنیم و با دقت در معنای آن غور و بررسی نماییم، در آنصورت به کلاس بعدی ارتقاء خواهیم یافت. ما تمام "دوره تحصیلی" را خواهیم گذراند. گرچه اوضاع و احوال اقتصادی و سیاسی جهان این امر را بسی طولانی‌تر و دشوارتر از آن کرده است که مطلوب ما بود. به هر قیمتی که باشد و هر قدر هم مصائب دوران انتقال، یعنی فقر و گرسنگی و ویرانی دشوار باشد، ما روحیه خود را نخواهیم باخت و کار خود را به فرجام ظفرنمونش خواهیم رساند.

ن. لنین

۱۴ اکتبر سال ۱۹۲۱

روزنامه "پراودا"، شماره ۲۳۴، مورخ ۱۸ اکتبر سال ۱۹۲۱

**در ماه گذشته اعلامیه ها و بیانیه****های مختلفی بمناسبت****رویدادای سیاسی از طرف****شورای مرکزی و کمیته های****سازمان منتشر شده است .****برای مطالعه آنها به سایت****سازمان مراجعه فرمائید.**[Www.fedayi.org](http://www.fedayi.org)

ذیعلاقه کردن

اشخاص و بر اساس اصل بازرگانی، نخست پلهای استواری را که در کشور خرده دهقانی بین سرمایه دولتی و سوسیالیسم قرار میگیرد بسازید؛ در غیر این صورت به کمونیسم نزدیک نخواهید شد، در غیر این صورت دهها و دهها میلیون نفر را به کمونیسم نخواهید رساند. زندگی بما چنین حکم کرده است. سیر عینی تکامل انقلاب بما چنین حکم کرده است.

و ما، که در عرض سه چهار سال شیوه چرخشهای سریع را (هنگامی که چرخش سریع لازم است) اندکی آموخته‌ایم، حالا با پشتکار و دقت و جدیت (گر چه هنوز به اندازه کافی با پشتکار و به اندازه کافی دقیق و به اندازه کافی مجدانه نیست) به آموختن شیوه چرخش نوین، یعنی "سیاست اقتصادی نوین" پرداخته‌ایم. دولت پرولتری باید به یک "ارباب" محتاط و جدی و قابل و یک تاجر عمده فروش کار آزموده بدل شود - در غیر اینصورت نمیتواند کشور خرده دهقانی را از لحاظ اقتصادی بر روی پای خود استوار کند و در شرایط کنونی در کنار باختر سرمایه‌داری (که هنوز سرمایه‌داری است) راه دیگری برای انتقال به کمونیسم وجود ندارد. تاجر عمده فروش گویی آنچنان تیپ اقتصادی است که از کمونیسم به اندازه زمین تا آسمان دور است. ولی این یکی از آن تضادهایی است که ما را در زندگی جوشان از اقتصاد خرده دهقانی بیرون میآورد و از طریق سرمایه‌داری دولتی به سوسیالیسم میبرد. ذینفع کردن اشخاص سطح تولید را بالا میبرد و برای ما مقدم بر هر چیز افزایش تولید به هر قیمتی که شده لازم است. بازرگانی عمده فروشی، میلیونها دهقان خرده پا را از لحاظ اقتصادی متحد میکند بدین

باید بدون ارتکاب این اشتباهات ساختمان سوسیالیسم را ادامه داد.

دشواریها را حد و حصری نیست. ما به مبارزه با دشواریهای بی حد و حصر خو گرفته‌ایم. بیهوده نیست که ما را دشمنان ما "سنگ خارا" و نمایندگان "سیاست استخوان شکن" نامیده‌اند. ولی ما ایضا - و لااقل تا حدود معینی - هنر دیگری را که در انقلاب ضروری است آموخته‌ایم، که عبارتست از نرمش، امکان تغییر سریع و آتی تاکتیک خود با در نظر گرفتن شرایط تغییر یافته ابژکتیف و انتخاب راه دیگر نیل به هدف در صورتیکه راه گذشته در دوران معینی از زمان خلاف مصلحت و غیر ممکن از آب درآید.

ما، که امواج شور و هیجان برانگیخته بودمان و نخست شور و هیجان سیاسی و سپس شور جنگی را در خلق برانگیخته بودیم، حساب می‌کردیم که بر زمینه این شور و هیجان وظایف اقتصادی به همان درجه عظیم را (نظیر وظایف سیاسی و جنگی) مستقیما عملی سازیم. ما حساب می‌کردیم و شاید هم بهتر است بگوییم بدون آنکه باندازه کافی حساب کنیم فرض می‌کردیم که با اوامر مستقیم دولت پرولتری تولید دولتی و توزیع محصولات دولتی را به شیوه کمونیستی در یک کشور خرده دهقانی عملی سازیم. جریان زندگی اشتباه ما را نشان داد. یک سلسله مراحل انتقالی یعنی سرمایه‌داری دولتی و سوسیالیسم لزوم یافت تا انتقال به کمونیسم را تدارک ببینیم و آن هم با فعالیتی که سنوات مدیدی بطول میانجامد تدارک ببینیم. باید بخود زحمت دهید که نه بر زمینه مستقیم شور و هیجان، بلکه به کمک شور و هیجانی که مولود انقلاب کبیر است، بر اسال ذینفع و



## سرگذشت لنین بعد از مرگ طنز بمناسبت یکصدمین سالگرد انقلاب اکتبر



« طنز ممدقلی زاده »

خون مردم را مکیندند و تاجائیکه میتوانستند کشتند و بردند و خوردند ، کجاستند؟! جهنم نشین ژولیده سربلند کرد و روبه لنین نمود و گفت ؟ ای دل غافل از کدام کوره ده آوردن ات اینجا که نمیدانی همه آنها جای شان در بهشت و کارشان عیش و نوش با حوریان بهشت است؟!!

لنین که گوئی تازه دوزاری اش افتاده بود، دست اش را برد که سرش را بخاراند و یک مقدار فکر بکند، دید که هنوز پا به جهنم نگذاشته گرمای آتش جهنم پوست سر کچل اش را شلم شهره کرده است و زود دست اش را آورد پائین و قدمی زد و سپس نتوانست خودش را نگاهدارد، سکویی پیدا کرد و رفت بالای آن و رو به جهنمیان کرد و گفت : ای بیچاره ها شما مگر چه کار کرده اید که هم در زمین تناب از گرده تان کشیدند و هم در این دنیا در عذاب جهنم محکوم به سوختن هستید ، آخر این چه عدالتی است و شما چگونه مردمانی هستید که دیروز در روی زمین به فرمان شاه و شیخ و صاحبان ثروت شلاق کش میشدید و اکنون بعد از مرگ نیز باید در آتش جهنم بسوزید و آنهاییکه در زمین ظلم و ستم بر ابناء بشر روا داشتند و از قبل کار و زحمت آنها خوردند و نوشیدند و هر بلائی خواستند سر شما آوردند و در اینجا هم جای آنها بهشت است و جای شما جهنم؟! ساکنان جهنم اول اهمیتی به گفته های لنین نمیدادند و امید رهایی در آنها مرده بود. اما لنین خسته نمیشد و هر روز بعد از اینکه نوبت شکنجه و آزارش توسط میر غضبان جهنم تمام میشد ، میامد و تبلیغات علیه وضعیت جهنم را از نو شروع میکرد.

لنین اعتراض میکند و میگوید: آخر عدالت خدا کجارفته ؟ حالا که از وکیل مکیل خبری نیست، اقلا اجازه بدید درد کلمه از خودم دفاع بکنم ، بعد هر کاری خواستید بکنید! عزرائیل که در دست راست لنین ایستاده بود و میر غضب در سمت چپ و آماده اجرای دستور خدا، روبه لنین کرد و گفت : مرد حساسی توی این زندگی کوتاه ات در روی زمین، خداوند عالم را زله کردی، حالا دوقورت و نیمت هم باقیست، یا الله راه بیفت بینم؟! لنین تا آمد دهن اش را باز کند یک چماق زدند سرش و کشان کشان بردند و انداختند درست وسط جهنم و برگشتند و به همدیگر تبریک گفتند که آخیش عجب راحت شدیم! در جهنم برای لنین زمان با تحمل عذاب آتش و شلاق و شکنجه سپری میشد و هر جا و هر گوشه ای که نگاه میکرد، میدید که جز فقیر بیچاره ها که گناهی جز دله دزدی های کوچک و یا اعتراض به ظلم و ستم ، نخواندن نماز و نگرفتن روزه نداشتند، در اینجا جمع اند و اصلا از پولدارها و ملاک ها و شکنجه گران و حکومت کنندگان دزدان میلیاردری مال مردم اصلی خبری نیست. و از آدم کناری اش که سالها ساکن جهنم بود پرس و جو کرد که پس اینها که در روی زمین جنگ و کشتار بپا کردند و

مقام اول را احراز میکرد. در شهرها و روستاهای شوروی 134 هزار کلوب فیلم ، رقص و آواز، تئاتر ، موزیک ، هزاران ارکستر سمفونیک ، فیلارمونیک و اوپرا ، پذیرای میلیونها نفر از اهالی شهر و روستا بودند . 157 هزار تئاتر ، 175 هزار سالن سینما و هزاران مراکز فرهنگی فعال بودند .

انقلاب اکتبر آموزش و فرهنگ را برای اولین بار در تاریخ جوامع بشری بدون تبعیض در دسترس عموم توده های مردم قرارداد و آموزش و پرورش را از ابتدا تا انتها مجانی کرد.

لنین میگفت «سوسیالیسم تنها نظام اجتماعی است که میتواند آموزش و فرهنگ را بطور کامل در اختیار توده مردم قرار دهد» اینها اشاراتی بود مختصر از دستاوردها و پیامد های درخشان انقلاب سوسیالیستی اکتبر که علاوه بر دستاوردهای اجتماعی ، اقتصادی و مدنیو فرهنگی و نیاز مندیهای مختلف آموزشی و بهداشتی نحوه زندگی و طرز تلقیات و تفکرات میلیونها انسان را در کشور عمدتا دهقانی و عقب مانده تغییر داد. انقلاب اکتبر موثریم استثمار شده تحقیر شده و غرقه در خرافات فقر و بدبختی و بیماری و زن روستائی تحقیر شده و تحت ستم مضائق را به صاحب سرنوشت خود تبدیل نمود.

برای طبقه کارگر و کمونیستهای دوران ما تجربیات انقلاب اکتبر و دست آوردهای آن و نیز انحرافات و سرانجام آن رهنمون عمل و چراغی است که راه مبارزه برای تحقق سوسیالیزم را روشن میکند.

خ/ عمو اوغلی 14 آبان 96

## سرگذشت لنین بعد از مرگ...

تا اینکه یواش یواش در مردم جهنم نشین جنب و جوشی بوجود آمد و شروع کردند به اعتراض و تظاهرات و بتدریج دامنه اعتراضات بالا گرفت و جهنمیانی که بیش از بقیه عذاب هردوندیاریا دیده بودند، یواش یواش گفته های لنین را باور کردند و شروع به سازماندهی مخفی کردند و یک روز که خداوند تمام درباریان را از کوچک و بزرگ جمع کرده بود و در حال سخنرانی بود.

تظاهرات درجهنم اوج گرفت و لنین در پیشاپیش تظاهرکنندگان حرکت میکرد و داشت کنترل جهنم از دست ماموران خدا خارج میشد که خبر به خدا رسید، که قربان از وقتیکه لنین نامی را انداختیم جهنم، آنجا را به هم زده است و همه را بر علیه شما شورانده است.

خداوند که مثل بندگان اش زود عصبانی نمیشود و این را برای مقام خدائی خود عار میداند، به یکباره از کوره دررفت و دستور دادو گفت که: این سگ پدر را ببرید و بیاندازید به بدترین جای جهنم که خفه بشود. ماموران خدا هم این کار را کردند و لنین را بردند و انداختند به جائی درجهنم که دیگر شبانه روز و بلاوقفه با آتش سوزان جهنم سرو کار داشت و تکان نمیتوانست بخورد.

اما روزها که نه، چون درجهنم شب و روز نیست، بلکه زمان سپری میشد و لنین هروقت که امکان و روزنه ای مییافت مردم جهنم نشین را هشدار میداد که چه نشسته اید و از چه میترسید مگر از عذاب جهنم هم بالاتر عذابی هست؟ به اعتراض برخیزید و...

خلاصه کلام مدتی طول نکشید که توده های مردم جهنم نشین بار دیگر برخاستند و شروع به اعتراض کردند و این اعتراض یواش

یواش به تظاهرات زدو خورد با ماموران جهنم کشید و تظاهرکنندگان لنین را از محاصره آتش خارج کردند و چیزی نمانده بود که تظاهرات به دروازه جهنم کشیده شود و اوضاع پاک از دست ماموران جهنم داشت خارج میشد که خدا را خبر کردند و گفتند که قربان این بنده حقیر تو باز هم نظم جهنم را به هم زده است، مجازات ها اورا به صرات مستقیم نکشیده که هیچ بلکه بدتر شده و همه ما را به زله آورده است، لطفا دستور دهید که چه کار کنیم.

خداوند اندکی به فکر فرورفت و رو به عزرائیل کرد و گفت: این ولدالزنا را بیارید پیشم. میخوام ببینم این چه جور جونوریست دیگه؟!

عزرائیل سریع میپرد به جهنم و از پس گردن لنین میگیرد و یک راست میآورد به آسمان هفتم و دم در اقامتگاه خدای عز ووجل میگذارد زمین.

درمقابل جسه کوتاه لنین، قلعه ای بود که درب آن که لنین درمقابل اش ایستاده بود، باندازه چهار برابر قد و قواره ساختمان «امپایر استیت» آمریکا! اصلا وقتی نگاه میکردی ترس و وحشت سرا پایت را میگرفت. جلال و جبروت خدا از همین درب اقامتگاه اش معلوم بود و بتو میگفت که با چه کسی طرف هستی!

لنین درکنار عزرائیل محو تماشای عظمت اقامتگاه خدا شده بود که ناگهان رعد و برقی آسمان طبقه هفتم را شکافت، نگهبانان کنار رفتند و درب بزرگ با صدائی که انگار بمب اتم منفجر شده باشد، باز شد.

لنین سر اش را بلند که و درمقابل خود آنچه را که دید حیرت زده شد.

درمقابل اش آدمی نشسته بود بر روی یک سکوی بزرگ کوه مانند. هیکل اش باندازه

دوبرابر ساختمان پلاسکو تهران بود. چپقی در دست داشت که اقلا پنجاه متر و شاید هم بیشتر طول اش بود و قطر آن به یک متر میرسید و چهار نفر فقط مشغول ریختن توتون درون سر چپقی بودند.

خداوند ابروان پرپشت و ریشی داشت باندازه ده برابر لحاف مولانصرالدین. لنین همینطور داشت نگاه میکرد که خداوند یکی به چپقی زد وقتی دود آنرا از دهان اش بیرون داد، انگاری تکه ابری بزرگ گرفتار طوفان بالای سرات به جولان درآمده باشد. از سوراخ دماغ اش مثل اینکه دود از لوله کوره های آجرپزی اطراف تهران به هوامیرو، همینطور لاینقطع دود بیرون میزد.

خداوند بادست به عزرائیل اشاره کرد که بیرون برود و منتظر دستور الهی باشد.

عزرائیل خداوند عالم و خالق زمین و زمان را با لنین تنها گذاشت و رفت بیرون درکنار ماموران جهنم ایستاد و منتظر دستورات خداوند ماند.

یک روز گذشت، دوروز گذشت و بعد شد یک هفته و دو هفته از خدا و لنین خبری نشد. در این مدت هرکدام از ماموران ریز و درشت خدا تعبیرها و تفصیرها و حدث و گمان های خود را از تصمیمات خداوند عالم درباره نحوه مجازات لنین برای هم تعریف میکردند، اما همه شان در مانده بودند که کار تصمیم گیری خدا چرا بطول انجامید، حال اینکه خدا نیاز به فکر کردن ندارد و هر تصمیمی را همان آن میگیرد. این تاخیر طولانی آنها را هم مضطرب و نگران کرده بود. آنها همه امکانات وسایل شکنجه و عذاب آورترین مکانها درجهنم را برای لنین در نظر گرفته بودند.

## درباره دوران ... ادامه از صفحه ۵

لنین در این رابطه بدرستی متذکر میشود که « در آن زمان هیچ نوع امکان حرکت حقیقتاً مستقل

دموکراسی امروزی، آن نوع حرکتی که متناسب با دوران بلوغ بیش از حد و پوسیدگی بورژوازی کشورهای مقدم است، وجود نداشت.»

همانگونه که لنین نیز اشاره میکند یکی از پایه ای ترین مبنا برای تعیین خط مشی و اتخاذ تاکتیکهای صحیح در مبارزه، درک درست ویژه گیهای یک دوران معین است.

در دوران مورد اشاره که بورژوازی در راس آن قرار گرفته و بر علیه نظامات کهن فنودالی مبارزه می نمود و تا وقتی که بنا بر شرایط اقتصادی، اجتماعی و تاریخی، در این مبارزه ثابت قدم بود، از حمایت پرلتاریا برخوردار بود. در اینجا و در این دوران پرلتاریا از نیروی اجتماعی حمایت میکرد که متریقی بود و امکانات بیشتری برای رشد و گسترش آن ایجاد میکرد.

لنین در مباحثه با منشویکها و سران انترناسیونال دوم که برای توجیه حمایت خود از بورژوازی به مواضع مارکس در دوران انقلابات قرن گذشته استناد میکردند، میگفت که در آن دوران: تنها او میتواندست بانپروئی شکننده در مقابل سازمانهای فنودال و استبدادی قد علم نماید. این بورژوازی که بوسیله قشرهای مختلف صاحب ثروت، تولیدکنندگان کالا نمایندگی میشد، به درجات مختلف در کشورهای متفاوت متریقی و در بعضی مواقع - نظیر بخشی از بورژوازی ایتالیا در ۱۸۵۹ - حتی انقلابی بود. جنبه عمومی آن دوران متریقی بودن بورژوازی یعنی

مبارزه ناتمام و ناقص بر علیه فنودالیسم بود و اضافه میکند که: در آن زمان بسیار طبیعی بود که راهنمای عناصر دموکراسی امروزی و مارکس بعنوان نماینده آنان، اصل غیر قابل تردید پشتیبانی از بورژوازی متریقی - یعنی قدر به پیش بردن مبارزه / علیه فنودالیسم باشد..»

بدیهی است که در آن موقع و در آن دوران برای دموکراسی پرلتاری این موضوع مطرح میشد که در شرایط کنونی پیروزی کدام نیرو و شکست کدام نیروی ارتجاعی نوید آزادی عمل بیشتری به دموکراسی معاصر میداد. اما صحبت کردن از این امر در شرایط دیگر که در آن عصر متریقی بودن بورژوازی به سر آمده است و بورژوازی از یک طبقه انقلابی و متریقی به یک طبقه ارتجاعی و میرنده تبدیل شده که مانع رشد و تکامل نیروهای مولده است، عبارت است از تحریف مارکس به نفع بورژوازی.

و در نتیجه چنین انحرافی بود که سران انترناسیونال دوم و منشویکها و تمامی دیگر اپورتونیستها در اتخاذ خط و مشی و تعیین تاکتیکها به زیان طبقه کارگر و به نفع بورژوازی و نیروهای ارتجاعی موضع گیری مینمودند. از جمله موضع گیری در قبال جنگ امپریالیستی اول، ارزیابی از انقلاب روس، تعیین خط مشی و تاکتیکهای شونیستی... که ریشه در درک انحرافی از ویژه گیهای دوران ناشی میشد و موضع بورژوازی را در قبال پرلتاریا تقویت میکرد و طبقه کارگر را خلع سلاح مینمود. در مقابل بلشویکها به رهبری لنین با ارزیابی از مضمون و ویژه گیهای دورانهای مختلف تاریخی و با تحلیل دوران جدید به استراتژی، برنامه و تاکتیکهای دست یافتند که طبقه کارگر حول آنها متحد و متشکل شدند و نه

تنها بورژوازی را در روسیه سرنگون کردند و دیکتاتوری پرلتاریا را مستقر نمودند، بلکه از لحاظ نظری نیز ضربات مهمی بر پیکر اپورتونیسم که به جلد مارکسیسم در آمده بود، وارد ساختند.

جنبش دموکراتیک ایران در مراحل اولیه و جنبش کارگری و کمونیستی ایران نیز کمابیش تحت تاثیر این انحرافات ضربات زیادی خورد که در ادامه مطلب به آن خواهیم پرداخت.

بعد از پیروزی طبقه کارگر در روسیه حزب بلشویک و رهبران آن با این انحرافات در سطح ملی و بین المللی به مبارزه پرداختند و در این زمینه لنین تاکید داشت که اگر مبارزه با امپریالیسم بطور لاینفکی با مبارزه علیه اپورتونیسم توأم نباشد، جز عبارت پردازی پوچ و دروغ چیزی نخواهد بود.

بعد از جنگ جهانی دوم نیز با استناد به تغییر و تحولات در سطح جهان تئوریهای اپورتونیستی بار دیگر زمینه رشد یافت که از تجدید نظر و تحریف تئوری دوران آغاز و در پی آمد خود نتایج فاجعه باری برای جنبش کارگری و کمونیستی در سطح جهان ببار آورد.

بروز و کارکرد عملی این انحرافات در مراحل اولیه جنبش های سوسیال دموکراتیک ایران و از بدو تشکیل گروه های سوسیال دموکرات و سپس حزب کمونیست ایران (که ارتباطی نظری و مکاتبات متعدد با کائو تسکی و منشویکهای نظیر پلخانف داشتند) ، به نتایج زیانباری انجامید. باتوجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی آن زمان ایران، این نفوذ نظری تا حدی عملکرد داشت که در حواصل تشکیل حزب کمونیست ایران تاکنگره دوم اکثریت حزب و رهبران آنرا بخود جذب نمود. رهبران حزب با عدم درک



## درباره دوران ...

ویژه گیهای دوران، خط و مشی و تاکتیکهائی را پی گرفتند که مدتی عملاً این حزب را به زانده بورژوازی تازه بدوران رسیده ایران تبدیل نمود. در آن مقطع هرچند نتایج عملی این خط و مشی از یک طرف و مبارزه نظری جناح اقلیت حزب از سوی دیگر این گرایش را منزوی نمود، اما در سیر بعدی رویدادها سرکوب بیرحمانه کمونیستها و رهبران عملی موثر جنبش کارگری از سوی حکومت رضاخان و نیز زمینه های عینی موجود باعث شد تا این گرایشات فکری به حیات خود ادامه دهند و با تشکیل حزب توده ایران جانی دوباره یابند. بدلیل خط مشی و سیاست و برنامه این حزب که خود را به چهارچوب مبارزات عمدتاً قانونی محدود ساخته بود، این گرایشات نظری زمینه رشد بیشتری یافتند. ضربات و لطمات جبران ناپذیر رهبری این جریان که دارای گرایشات فکری عمیقاً اپورتونیستی بودند در فاصله سالهای پرتلاطم 120 تا 32 برکسی پوشیده نیست.

شکست های نظری و اشتباهات عملی درحالی این تجربه را در معرض نقد قرار داده بود که تغییر و تحولات در حزب کمونیست شوروی و پیروزی خط و مشی که خروجی آنرا نمایندگی میکرد و اساس خود را از تجدید نظر در مضمون و محتوای عصر و دوران میگرفت، به عناصر اپورتونیست و رویزیونیست در کشور ما نیز فرصت داد تا بعد از آن همه شکست، روحیه خود را بازیافته و در زیر پرچم تئوریهای نظیر «راه رشد غیر سرمایه داری» و «غیره اعمال خود را تئوریزه و توجیه کنند. بدین ترتیب در چهارچوب نظری حزب توده

ایران این انحرافات زمینه گسترش بیشتری یافتند و با تبدیل شدن به یک گرایش مسلط اپورتونیستی جنبش کارگری و کمونیستی در فاصله 1320 تا 32 را بالطمات و شکست های متعددی مواجه ساختند. متأسفانه قبل از اینکه فرجه ای برای تجزیه و تحلیل و نقد و ترد این بینش و نتایج زیانبار آن انجام گیرد، سیاست تشدید سرکوب و کشتار کمونیستها از سوی رژیم سلطنتی از یکسو و پیروزی خط مشی نیکتا خروشچف در اتحاد شوروی از سوی دیگر که پایه خود را از تجدید نظر در مضمون و محتوای عصر میگرفت، این نگرش را در سطح جهان تقویت نمود و به عناصر فرصت طلب در کشور ما نیز فرصت داد تا بعد از آنهمه اشتباهات و انحرافات جبران ناپذیر، بادر دیگر روحیه خود را باز یافته و زیر پرچم تئوریهای دوران خروشچف اعمال خود را توجیه کنند.

به هر حال علیرغم همه این ها تجربه ها، ناتوانی در مبارزه نظری با این خط مشی انحرافی و اپورتونیستی باعث شد تا یکبار دیگر و در جریان قیام سال 57 نتیجه فجع بار خود را ببار آورد. و جنبش انقلابی توده های زحمتکش مردم ضربات شدید تری را از سوی حاملان این خط و مشی متحمل شود. از همین رو است که با اینگونه انحرافات اپورتونیستی میباید مبارزه اینولوژیک و نظری اصولی و مداومی صورت گیرد و گرنه هر بار در تندر پیچهای تاریخی شاهد رشد و گسترش و ضربات جبران ناپذیر دیگری خواهیم بود.

### متد لنین در بررسی دورانه

در اینکه عصر کنونی، عصر امپریالیسم است. ظاهراً همه متفق القولند. آنچه که مورد اختلاف است و ما روی آن مکث خواهیم کرد، همانا مضمون و ویژه گیهای آن است. اینکه

کدام طبقه در مرکز آن قرار دارد و محتوای اصلی، جهت اصلی تکامل و خصلت های اصلی موقعیت تاریخی و جنبه های مشخص اساسی آن کدامند. از این لحاظ ابتدا به شیوه برخورد و تجزیه و تحلیل لنین از مفهوم دوران مراجعه میکنیم.

لنین در بررسی دورانه های مختلف تاریخی، میگوید «اجازه دهید دورانی که ما به آن وارد میشویم (یا وارد شده ایم و هنوز در مراحل اولیه اش هستیم) دوران کنونی و یا سوم بنامیم. و دورانی که از آن بیرون آمده ایم را دوران دیروز و یا دوم بنامیم. در این حالت ما مجبوریم دورانی را که پترسرف و کائوتسکی نمونه های خود را از آن انتخاب کرده اند را، دوران دیروز و یا اول بنامیم.. «لنین سپس با توجه به تقسیم بندی رایج، دورانه های تاریخی را به این صورت تقسیم بندی میکند.

(1871-1879) 2- (1870-1914) 3- (?) - (1914) سپس بلا فاصله توضیح میدهد که: اینجا البته مانند همه جادریبیت و جامعه خطوط تقسیم مشروط، متغییر و نسبی میباشد، نه مطلق و ما مشهورترین وقایع تکانهنده تاریخی را تنها بطور تقریبی، یعنی نقطه عطف جنبشهای تاریخی مهم اختیار میکنیم. - لنین سپس مضمون و ویژگیهای این دورانه را مشخص میکند: دوران اول انقلاب کبیر فرانسه تا جنگ فرانسه-پروس. دوران رشد بورژوازی، پیروزی اش، دوران فراز بورژوازی و جنبشهای بورژوا دموکراتیک بطور اعم و جنبشهای رهائی بخش ملی بورژوائی بطور اخص، و دوران شکست سریع نهادهای پوسیده استبداد فنودالی میباشد.

دوران دوم دوران تسلط کامل و زوال بورژوازیست، دوران گذار از خصلت مترقی به ارتجاعی و حتی فوق ارتجاعی سرمایه



## درباره دوران ...

مالی میباشد. این دورانی است که در آن یک طبقه جدید - دموکراسی امروزی - در حال تدارک و جمع آوری تدریجی قواست.

دوران سوم که تازه آغاز شده است بورژوازی را در همان موقعیتی قرار میدهد که اربابان فئودال در دوران اول در آن قرار داشتند. این دوران امپریالیسم و تکانهای شدید امپریالیستی است. و همچنین تکانهای شدیدی که ناشی از ماهیت امپریالیسم میباشد.

لنین «به زیر پرچمی دروغین»

در نقل قولهای فوق روشن میشود که اساس استدلال لنین در ارزیابی از محتوای عینی و ویژگیهای اساسی دورانهای مختلف تاریخی، عبارت است از اینکه ابتداء روشن شود - جنبش کدام طبقه جریان اصلی پیشرفت ممکن در آن شرایط مشخص است. به عبارت دیگر پرچم کدام طبقه اجتماعی بر تارک آن عصر میدرخشد و در پیشاپیش جنبشهای انقلابی آن دوره در اهتزاز است.

بطریق اولی در گرگونی انقلابی مناسبات موجود در آن دوره مشخص را برعهده دارد؟ دروران اول را در نظر میگیریم که انقلاب کبیر 1789 فرانسه بعنوان نقطه عطف آن انتخاب شده است.

مارکس میگوید: پیش شرطهای اقتصادی همه انقلابات اجتماعی در طول تاریخ زمانی فراهم میشود که بین نیروهای مولده در درجه

معینی از انکشاف آنها با مناسبات تولیدی موجود آنچنان تضادی بوجود آید که این مناسبات بجای اینکه بستر و یا شکل انکشاف نیروهای مولده باشد دیگر به قیود و موانع آن تبدیل شوند، یعنی زمانی که نیروهای مولده علیرغم انکشاف به موانعی برخوردکنند که شکل حاکم مالکیت در برابر آنها گذاشته است. در چنین زمانی یک عصر انقلاب اجتماعی شروع شده است. مارکس «انتخاب بر اقتصاد سیاسی»

در انقلاب فرانسه رشد و توسعه تولید کالائی که صفت مشخصه آن رقابت آزاد است، با مناسبات حاکم فئودالی و قیود حاصل از آن که مانع انکشاف آزادانه نیروهای مولده بود، در تضاد قرار میگرفت. رسالت حل این تضاد در آن دوران برعهده طبقه بالنده عصر، یعنی بورژوازی قرار داشت. بورژوازی فرانسه بارهبری انقلاب 1789 برای اولین بار توانست با انحلال مناسبات تولید کهنه، راه را برای انکشاف نیروهای مولده باز کند.

ادامه دارد...

**آخرین اخبار و گزارشات ،  
مقالات ، اطلاعاتی ها و  
نشریات و برنامه سازمان  
اتحاد فداییان کمونیست را از  
سایت زیر دریافت کنید :**  
**[www.fedayi.org](http://www.fedayi.org)**

## سرگذشت لنین بعد از مرگ...

### ادامه از صفحه ..

به همین خاطر هم وقتی خدا بعد از چند هفته عزرائیل را احضار کرد او که ابزار آلات همه نوع داغ و شکنجه رادربندترین محل جهنم آماده کرده بود، فوراً به خدمت خداوند رفت و تعظیمی نموده و منتظر دستورات خدا ماند. ولی زیرچشمی خدارا میپائید از عصبانیت خدا و اینکه بعد از ملاقات دو هفته ای لنین این اعجوزه فتنه که در روی زمین دنیاراهم ریخته بود و در جهنم خداهم آرام نداشت، چه حادثه ای رخ خواهد داد، در وحشت بود. زیر چشمی خدارا میپائید که به نظرش رسید برعکس تصور او انگاری که از عبوسیت خدا کمی کاسته شده و از هر زمان دیگر سرحالتر به نظر میرسد. برای اش غیرقابل باور بود! که خدا فرمان داد به جلو بیاید. عزرائیل چهار قدم به جلو برداشت و در حالیکه دست و پایش میلرزید به خدا نزدیک شد. تا حالا یک بار هم نشده بود که خداوند به او اجازه بدهد حتی نیم قدم به او نزدیک بشود و مانده بود که بعد از ملاقات با لنین بر سرخدای همه عالم و آدم چه آمده است که بلاخره خدا فرمان خودش را به او ابلاغ کرد و با صدائی نرم که هرگز تابه حال سابقه نداشت رو به عزرائیل کرد و گفت: زود برو و برای رفیق لنین یک چائی قند پهلوی بزرگ بیار، توله سگ!

از طنناز ممدقلی زاده بمناسبت یکصدمین سالگر انقلاب اکتبر

14 آبان 1396 ششم نوامبر 2017



**به کانال تلگرام ما پیوندید**

**@fedayi1349**

آخرین اخبار و گزارشات ، مقالات ، اطلاعاتی ها و  
نشریات سازمان اتحاد فداییان کمونیست را از  
کانال فدائی در تلگرام دریافت کنید .

**بمناسبت صدمین سالگرد انقلاب****سوسیالیستی اکتبر****ادامه از صفحه ۲**

داری وجهل و تیره روزی را آغاز نمود است. و پرواضح است که هیچگاه شکست ها و عقب نشینی های موقت طبقه کارگر را از کار اصلی و هدف تاریخی اش باز نخواهد داشت. انقلاب پرلترزی بانقد خود بر خواهد خاست تابار دیگر دشمن خود را به مصاف بطلبد و با برچیدن نظام سرمایه داری بشریت را از تبعات ویران کننده نظام سرمایه رها سازد.

در انقلاب اکتبر کارگران و زحمتکشان یک کشور به رهبری حزب بلشویک و درراس آن لنین برای اولین بار از طریق قیام مسلحانه حاکمیت طبقه سرمایه دار و هشو زوائد آن را سرنگون کردند و جامعه ای سوسیالیستی و به لحاظ اقتصادی و اجتماعی نوینی را برویرانه آید بنا نهادند و گامهای بزرگی درجهت برابریهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برداشتند و حاکمیت توده های کار و زحمت را بر سر نوشت خویش تامین کردند و اینک بعد از گذشت یکصد سال از انقلاب اکتبر و برغم اشکالات و انحرافات و ناکامیهای آن اما درس ها و دستاوردهای اکتبر همواره چراغ راهنما و تکیه گاه بزرگ طبقه کارگر جهانی و انقلابیونی است که برای سرنگونی نظام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم پیکار میکنند.

در صدمین سالگرد انقلاب اکتبر شعار ما این است  
کارگران سراسر جهان برای سرنگونی نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم متحد شوید  
سازمان

اتحاد فدائیان کمونیست

14 آبان 1396 برابر با 5 نوامبر 2017



**خواستار تکامل سیاسی و تشکیلات سیاسی طبقه کارگر بودن، این است مهمترین و اصولی ترین وظیفه ما، هرکس که به این وظیفه بی توجهی کند، همه وظائف کوچک و متدهای جداگانه مبارزه را به خدمت آن درنیآورد، در راه غلطی گام برمیدارد و به جنبش ضررهای جدی میزند. لنین : «مهمترین وظائف جنبش ما»**

**«هرگاه که اعتلای خود بخودی توده بیشتر باشد، هر قدر که نهضت دامنه**

**دارتربشود، همانقدر هم لزوم آگاهی فراوان خواه در کار تئوریک و خواه در کار سیاسی، و خواه در کار تشکیلاتی برای سوسال دموکراسی با سرعت خارج از تصویری افزایش مییابد «چه باید کرد**

**ملک الشعراء بهار و انقلاب اکتبر اندر آن مملکت از در بدری نیست نشان اندان ناحیه از گرسنگی نیست اثر مزه بخشید باندازه توانائی وزور زانکه بیمار وضعیف است. پزشک اش**

یاور

**برتر از مزه در این ملک. مکان یابد و جاه هر هنر پیشه و هر عالم و هر دانشجو اندر آن ملک بود ارزش هر چیز پدید ارزش کارفزون، ارزش فکر افزونتر**

**کار کمونیستی آخر هر ماه زیر نظر هیئت سیاسی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست منتشر می شود.**

**مسئول اجرائی : سالار حسامی شماره پیغامگیر، واتس آپ و وایبر سازمان**

**+46738924823**

**برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از آدرسهای زیر تماس بگیرید :**

روابط عمومی

**webmaster@fedayi.org**

کمیته کردستان

**Kurdistan@fedayi.org**

کمیته آذربایجان

**azar@fedayi.org**

کمیته تهران

**Tehran@fedayi.org**

کمیته کرج

**karj@fedayi.org**